

واکنش علمای حوزه علمیه قم به مسئله تغییر خط فارسی در سده اخیر

کاظم استادی

(دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه قرآن و حدیث)

kazemostadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

مسئله تغییر خط یا اصلاح الفبا در کشورهای مختلفی رخ داده است. در ایران نیز از حدود دو دهه سال قبل تاکنون، مسئله تغییر خط فارسی در برخی نوشته‌ها و محافل علمی، مورد گفتگو واقع شده است؛ اما به دلایل فرهنگی و مذهبی، مناقشاتی پیرامون طرح و اجرای آن به وجود آمده است. جدای از مخالفان فرهنگی تغییر خط، برخی از علمای شیعی، به دلایل مذهبی و امکان گسست دینی یا خدشه به متون اسلامی، واکنش منفی به این مسئله نشان داده‌اند. حتی برخی از ایشان، آن را توطئه دشمنان اسلام قلمداد کرده‌اند. توجه به واکنش علمای حوزه علمیه قم، به عنوان مهم‌ترین خاستگاه مذهب تشیع در قرن گذشته، می‌تواند نمایی از نگرش‌های اندیشمندان دینی را به این مسئله نشان دهد. در پژوهش حاضر، ضمن ارائه تاریخچه اجمالی مسئله اصلاح الفبا و تغییر خط، واکنش‌های علمای ایران و حوزه علمیه قم در برخی از ابعاد این مسئله، احصاء و مورد توجه قرار گرفته و برخی از فتاوی مراجع تقلید در این باره ذکر شده است. در نتیجه می‌توان گفت: علمای اسلامی، تا زمانی که اصلاح الفبا و تغییر خط، به معارف اسلامی و ترویج مذهب اسلام، خدشه‌ای وارد نکنند، نسبت به این تغییرات و اصلاحات، نظر مخالفی ندارند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ حوزه علمیه قم، آخوندزاده، استفتائات تغییر خط، خط فارسی.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله علیه تألیف شده است.»

مقدمه

خط، دبیره، زبان‌نگاره یا نظام و سامانه نوشتاری، اختراع و وسیله‌ای برای ثبت آثار، حفظ افکار و نیز نوشتن جهت انتقال اندیشه‌ها و اخبار است. خط فارسی یا دبیره پارسی - که اکنون از آن برای نوشتن زبان فارسی استفاده می‌کنیم -، خطی «فارسی‌شده» از خط عربی است که پس از ورود اسلام به ایران، برای نگاشتن زبان فارسی از آن استفاده شده است.

با ورود اعراب مسلمان به ایران، در زمانی نسبتاً کوتاه، خط پهلوی - که در آن زمان، خط نوشتاری اکثر مناطق ایران بود -، از کاربرد عمومی ساقط شد و حتی تا چند قرن، خط یا زبان نوشتاری مردم ایران، زبان و خط عربی گشت و مردم ایران به زبان فارسی چیزی نمی‌نوشتند، مگر در گوشه و کنار، آن هم غیر قابل توجه. در واقع و به طور رسمی و همه‌گیر، از اواسط قرن ششم زبان فارسی در نوشتارها نمایان شد و پیش از آن، فارسی‌نویسی کلاً رایج نبوده است و همه نوشته‌ها به زبان عربی نگارش می‌شده است. البته خطوط فارسی قبل از این و برخی نوشته‌ها همانند شاهنامه فردوسی یا برخی کتاب‌های نادر قبل‌تر از آن، به صورت استثنا به زبان فارسی نگاشته شده‌اند و فارسی‌نویسی، در ایران عمومیت نداشته است (ر.ک: تویسرکانی، ۱۳۵۰ش: ب۱؛ استادی، ت ۱۳۹۴ش: ۱۰).

بنابراین، رسم‌الخط فارسی حدوداً در قرن پنجم، تازه مراحل ابتدائی خود را سیر می‌کند. هر یک از کاتبان به سلیقه خود برای نشان دادن برخی از حروف یا نشانه‌های فارسی، علائمی را برگزیده و در نوشتن متون به کار برده‌اند. البته درست است که در بعضی از موارد بین کاتبان، وحدت عمل نیز به چشم می‌خورد، ولی در بسیاری از موارد چنین نیست و هر کس به سلیقه خود به راهی رفته است. این وضعیت از مختصات یک رسم‌الخط ابتدائی است؛ یعنی دوره‌ای که هنوز رسم‌الخط زبانی، شکل واحدی به‌خود نگرفته است (ر.ک: متینی، ۱۳۷۱ش: ۱۵ - ۴۵).

در این میان و در طول زمان تاکنون، برخی از اندیشمندان و ادیبان به معایب و مشکلات خط فارسی نیز پرداخته‌اند. عیوب و اشکالاتی که «طرفداران تغییر الفبا» برای خط فارسی می‌شمارند، فراوان است؛ اما مهم‌ترین آنها از این قرارند:

۱. الفبای فارسی حروفِ صدادار ندارد و حرکات - که نمایندهٔ حروف باصدا هستند -، به صورت حرفِ معینی در جزء کلمه نمی‌آیند.
 ۲. هر حرف، شکل جداگانهٔ مشخص و مستقلی ندارد و از ۳۲ حرف الفبای فارسی، تنها ۱۶ حرف آن دارای شکل مخصوص است.
 ۳. حروف الفبا غالباً مشابه‌اند و با اندک غفلتی، به جای هم نوشته می‌شوند و مطلب متن را به کلی دگرگون می‌سازند.
 ۴. بعضی از حروف فارسی، خوانده می‌شوند، ولی نوشته نمی‌شوند.
 ۵. بعضی دیگر از حروف، نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند.
 ۶. پاره‌ای از حروف، به صورتی جز آنچه نوشته می‌شوند، تلفظ می‌شوند.
 ۷. بعضی از حروف برای بیان چند تلفظ جداگانه به کار می‌روند.
 ۸. حروف در کتابت کلمات، به هم متصل می‌شوند و بر حسب آن که در اول، وسط یا آخر کلمه قرار گیرند، صورت اصلی خود را از دست می‌دهند و به اشکال گوناگون (تا حدود ۱۲۸ شکل)، نمایان می‌شوند.
 ۹. برای ادای بعضی صداها که در زبان فارسی، همه یکسان تلفظ می‌شوند، چندین حرف مقرر شده است.
 ۱۰. نوشتن از چپ به راست، آسان‌تر است (ر.ک: آریز پور، ۱۳۸۷ش: ۳۴؛ استادی، چ ۱۳۹۴ش: سراسرمتن).
- البته لازم است توجه کنیم که به‌کارگیری واژهٔ «عیب» یا «نقص» یا تعابیر مشابه، برای خط فارسی یا دیگر خطوط، از جهتی اساساً بی‌معنا و نادرست است. یعنی هر خطی به نسبت یک معیار خاص و در شرایط زمانی و مکانی خاص، می‌تواند یک خط مناسب باشد و در شرایطی دیگر، همان خط، خطی نامناسب و بد پنداشته شود.
- بنابراین، خوبی و بدی، راحتی و سختی، نقص و بی‌تقصی برای خط، امری نسبی است که به شرایط کاربردی مختلف، دارای حالات گوناگونی خواهد بود. مثلاً «متصل‌نویسی» یا «جدانویسی» در شرایطی، حسن و پُر‌فایده هستند و در شرایطی دیگر، عیب و نامناسب محسوب می‌شوند. برای نمونه، خط جدانویس لاتین را نمی‌توان «تندنویسی» نمود؛ به همین منظور، ده‌ها «سیستم تندنویسی» برای خط لاتین ابداع شده است تا این مشکل خط لاتین را مرتفع نماید.

در هر صورت، وجود مشکلات خط فارسی در دوره‌های مختلف، باعث ظهور مباحثی درباره تغییر خط فارسی در ایران شده است که این مسئله، موافقان و مخالفانی دارد.

طرح مسئله

مسئله تغییر خط در کشورهای مختلفی رخ داده است. در ایران نیز از حدود دویست سال قبل تاکنون این مسئله در برخی نوشته‌ها و محافل علمی، مورد گفتگو واقع شده است؛ اما به دلایل فرهنگی و مذهبی، مناقشاتی پیرامون طرح و اجرای مسئله تغییر خط فارسی در ایران به وجود آمده است.

جدای از مخالفان فرهنگی تغییر خط، برخی از علمای شیعی به دلایل مذهبی و امکان گسست دینی یا خدشه به متون اسلامی، به این مسئله واکنش منفی نشان داده‌اند و حتی برخی از ایشان، طرح مسئله تغییر خط فارسی را توطئه دشمنان اسلام قلمداد کرده‌اند. توجه به واکنش علمای حوزه علمیه قم، به عنوان مهم‌ترین خاستگاه مذهبی تشیع در قرن گذشته، می‌تواند نمایی از نگرش‌های اندیشمندان دینی را به این مسئله نشان دهد. بنابراین، مناسب است در پژوهشی، این واکنش‌ها احصاء و مورد توجه قرار گیرند تا بتواند هم جنبه تاریخی و هم جنبه فقهی مسئله را برای اظهار نظر، پیش روی محققان قرار دهد.

پیشینه

درباره خط فارسی، بیش از دو هزار مقاله، رساله و کتاب نوشته شده است (استادی، ج ۱۳۹۴ ش: سراسرمتن)؛ از سوی دیگر، پیرامون اصلاح و تغییر خط فارسی نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی نگارش یافته‌اند که کتاب‌شناسی این آثار در دسترس است (ر.ک: استادی، ج ۱۳۹۴ ش: ۳۵۹). برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱. آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۷ ش)، از نیما تا روزگار ما، تهران: زوآر.
 ۲. ذکاء، یحیی (۱۳۲۹ ش)، در پیرامون تغییر خط فارسی، تهران: چاپخانه نقش جهان.
- اما در این میان و به صورت مستقل، نوشته‌ای که به طرح واکنش علمای حوزه علمیه قم به مسئله تغییر خط فارسی در قرن معاصر پرداخته باشد، یافت نشد؛ بنابراین مقاله حاضر، اولین اثر در این زمینه است.

۱. تاریخچه طرح تغییر خط در ایران

خط با دلایل گوناگونی، همانند: تغییر حکومت، تغییر ابزار نگارش، ورود تکنولوژی، معایب خط، نفوذ فرهنگ جدید و تغییر زبان علم و دلایلی از این دست، تغییر می‌کند؛ به طوری که این دلایل، هر کدام به تنهایی یا با هم، می‌توانند علت تغییر خط در کشوری یا منطقه‌ای شوند.

بنابراین اگر موضوع تغییر خط، فارغ از تغییر حکومت‌ها در نظر گرفته شود، نمی‌تواند زمان دقیق و روشنی به همراه داشته باشد؛ چرا که عوامل ایجاد کننده آن، اتفاقات لحظه‌ای نیستند. یعنی ابداع خط و کاربرد آن، از جمله اختراعات تدریجی هستند که به مرور زمان، تکمیل یا تغییر پیدا می‌کنند (برای نمونه، ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۱۹).

تغییر خط در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و موضوع تغییر خط در ایران، دارای تاریخچه‌ای طولانی است که در این مجال، نمی‌توانیم به همه آن بپردازیم؛ بنابراین، تنها به دوره معاصر، نیم‌نگاهی خواهیم داشت.

۱ - ۱. زمینه‌های پیدایش تفکر تغییر خط در قرون اخیر

عوامل مختلفی را می‌توان به عنوان زمینه‌های ایجاد تفکر تغییر خط در قرن‌های اخیر ایران مطرح کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. ورود صنعت چاپ به ایران؛ ۲. تغییر اوضاع اجتماعی در ایران و شکست‌های ایران از روسیه؛ ۳. اصلاحات در ایران. جدای از این‌ها، شاید مهم‌ترین زمینه طرح اندیشه تغییر خط، تأثیر عثمانی و ایرانیان عثمانی بر ایران باشد؛ زیرا در نخستین دهه‌های سده سیزدهم، دو مرکز اصلی اصلاحات به سبک غربی، یکی در عثمانی و دیگری در مصر به وجود آمد که در هر دو، انتشار ترجمه کتاب‌های غربی در اولویت بودند (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۱۴۸).

در همین دوران، با بی‌توجهی ناصرالدین شاه به اصلاحات و رکود کشور، باعث شده بود که عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران، به اروپا و قلمرو عثمانی مهاجرت کنند و این امر، باعث به وجود آمدن «کانون روزنامه‌نگاران تبعیدی ایران در اروپا و آسیا» شد. استانبول نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منازل تجدد ایران در امتداد حرکت تجدد غرب، واسطه ارتباط ایران با دنیای غرب بود و مرکز فرهنگی و سیاسی مهمی برای ایرانیان شد (ر.ک: عابدی، ۱۳۷۷ ش: ۱۲۴).

۱ - ۲. شروع زمزمه تغییر خط

افراد متعددی به صورت اشاره و موردی، به مسئله تغییر خط در دو قرن اخیر پرداخته‌اند؛ ولی برخی از آنان در این راه، هزینه و وقت قابل توجهی صرف نموده‌اند.

۱ - ۲ - ۱. مهم‌ترین آغازکنندگان مسئله تغییر خط

سه تن از ایرانیان، تقریباً بیشترین اهتمام را ابتدائاً نسبت به مسئله تغییر خط داشته‌اند که عبارت‌اند از: آخوندزاده، ملک‌خان و مستشارالدوله.

آخوندزاده - که به زبان‌های شرقی و فرهنگ جهان آشنایی داشت -، معتقد بود که الفبای مرسوم و متداول عربی، نقایص و معایبی دارد و در صدد برآمد که الفبای عربی را اصلاح و آن را برای احتیاجات مردم ترک‌زبان و فارسی‌زبان، مناسب سازد (استادی، الف ۱۳۹۴ ش: ۷۷). وی در سال ۱۲۳۶ شمسی از تنظیم نخستین الفبای اختراعی خود - که یک الفبای بدون نقطه با حروف متصل بود -، فراغت یافت و رساله‌ای نیز برای پیشنهاد کردن این الفبا به جای الفبای عربی فراهم آورد (برای اطلاع بیشتر از نمونه خط‌های اختراعی وی، ر.ک: همان: ۵۵). او پس از اطلاع از این که کسانی در عثمانی موافق تغییر خط هستند، علاقه‌مند شد تا از طریق دولت عثمانی، پیگیر طرح خط اختراعی و ابداعی خود شود (ر.ک: بی‌نام، ۱۲۷۸ ق: سراسرمتن).

ملک‌خان نیز همان‌گونه که خود در مقدمه چاپ کتاب گلستان خود اشاره کرده، بیست و پنج سال در این راه زحمت کشیده است. وی برای پیشرفت اندیشه‌های خود درباره الفبا، کتابچه‌های متعددی همانند گفتگوی شیخ و وزیر در استامبول نوشته و بعدها نیز با الفبای اختراعی و تازه‌ای که خود پدید آورده بود، چند کتاب، از جمله گلستان سعدی، اقوال علی، نمونه خطوط آدمیت و ضروب امثال را در سال ۱۳۰۳ ق، در لندن چاپ و منتشر کرد و سال‌ها برای پیشرفت این آرزو و آرمان خود کوشید (استادی، ح ۱۳۹۴ ش: ۱۵۳؛ ذکاء، ۱۳۲۹ ش: ۴۸).

ملک‌خان، تغییر الفبای فارسی و گرفتن الفبای اروپایی را پیشنهاد نمی‌کرد؛ بلکه از ترکیب حروف الفبای فارسی، خط دیگری ساخته بود که به نظرش ساده‌تر و مفیدتر می‌نمود (استادی، ۱۳۹۱ ش: سراسرمتن، خصوصاً تصاویر مقاله).

پس از آن دو، همیار مهم آخوندزاده و ملک‌خان، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی است که کارپرداز حاجی ترخان و فرستاده ایران در پاریس بود. او از پیروان جدی تغییر خط بود که

زحمات فراوانی نیز در این راه متحمل شد.

وی در سال ۱۲۹۷ - که در مشهد بود -، برای این که مخالفان سرسخت الفبای جدید، موضوع دین را دستاویز ناسازگاری خود نکنند، مسئله تغییر خط و الفبا را از مجتهدان مشهد «استفتا» نمود و برخی از نظریات ایشان را در نشریات منتشر کرد (استادی، ۱۳۹۱ش: ۳۰). مستشارالدوله نیز به سال ۱۳۰۳ کتابی با عنوان رساله در وجوب اصلاح خط اسلام چاپ کرد و در آن، از نوشته‌های منیف پاشا (وزیر فرهنگ دولت عثمانی) و مسیو میسمر فرانسوی، سود جست. در پایان کتابچه نیز الفبایی که به نام «خط اختراعی شخص عزیزی از دوستان» می‌خواند، درج نمود (ذکاء، ۱۳۲۹ش: ۵).

۱ - ۲ - ۲. رواج موضوع تغییر خط

به جز این سه تن که ذکر شد و وقت زیاد و تلاش بسیاری در راه اصلاح خط نمودند، افراد دیگری نیز در آن دوران، پیگیر مسئله تغییر خط بودند که بیشترشان در خارج از ایران به سر می‌بردند؛ برخی از آنها عبارت‌اند از: پرنس میرزا رضاخان ارفع‌الدوله؛ رضاخان افشار بکشلو؛ میرزا حسین خان؛ ادیب الممالک فراهانی؛ میرزا نجفقلی خان؛ میرزا کاظم‌خان آلان‌براغوشی؛ میرزا علیمحمد خان اویسی و... .

در این میان، برخی از علاقه‌مندان به مسئله اصلاح خط و الفبا، از روحانیان بودند که برای نمونه به سه تن از آنها اشاره می‌کنیم:

یک. میرزا لطفعلی مجتهد دانش تبریزی

همان‌گونه که در شرح حال وی در کتاب قصیده انصافی - که از تألیفات وی است -، آمده: او کتابی‌های پیرامون خط - الفبا دارد که از آن جمله است: راموز الرموز [کتابی در اقسام رموز و خطوط مرموز] و رساله در آداب و کیفیت خط عبری. وی در تاریخ ۱۳۰۲ ق، در شماره‌های ۲۱ و ۲۲ روزنامه اختر چاپ استانبول، دو گفتار درباره تغییر و اصلاح الفبا نوشته است.

دو. عبدالعلی موبد بیدگلی کاشانی

در کتاب مؤلفین کتب چاپی خانابا مشار (ج ۳، ص ۸۸۰) در شرح حال شیخ عبدالعلی بیدگلی کاشانی، آمده است که: «در این ایام از تألیفات خود به اداره فرستاده... از الفبای اختراعی خود



که برای فراگرفتن اطفال دبستان، اسهل قواعد هجائیه است با کلیات تاریخی و حساب و جغرافیا، به قدر ضرورت در این گنجینه ضبط است...» (ر.ک: روزنامه ادب، ۱۳۲۰ ق، شماره ۳۷؛ روزنامه تربیت، ۱۳۲۰ ق، شماره ۲۵۸).

سه. ادیب الممالک فراهانی

وی در ضمیمه فارسی روزنامه ترکی ارشاد - که در سال ۱۳۲۳ ق، در شهر باکو، به خامه خود او و به راهبری احمدبیک آقایوف قراباغی منتشر می‌شد -، بیش از سیزده شماره از آن مجله بیرون نیامده، درباره الفبا و تغییر آن، گفتارهایی نوشته است (ر.ک: ذکاء، ۱۳۲۹ ش: مدخل فراهانی).

۱ - ۳. تغییر خط عربی در برخی کشورها

در همین دوران که مسئله اصلاح و تغییر خط در میان برخی از ایرانیان خارج‌نشین، مورد مباحثه و مقاله‌نویسی بود، در چند کشور همسایه و نزدیک ایران، خط رسمی آنها تغییر یافت.

۱ - ۳ - ۱. تغییر خط در منطقه قفقاز

حکومت آذربایجان شوروی در ۲۰ اکتبر ۱۹۲۳ م، کمیته اجرائیه مرکزی، الفبای جدید ترکی را به رسمیت شناخت و دستور داد که تمام نامه‌ها و سندها، علاوه بر الفبای قدیم با خط جدید نیز تهیه شوند (ر.ک: روزنامه کارگر «باکینسکی رابوچی»، شماره ۱۶۱، ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۲؛ ش ۲۴۰، ۲۶ ژوئن ۱۹۲۳؛ ش ۲۴۶، ۳۱ اکتبر ۱۹۲۳) و در سال تحصیلی ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵، تدریس الفبای جدید در آموزشگاه‌های عمومی و سال بعد، در مدارس حرفه‌ای و عالی به رسمیت شناخته شد و جزو برنامه وزارت فرهنگ آن‌جا قرار گرفت.

برخی دیگر از جمهوری‌های ترک و تاتار و ایالات خودمختار شوروی نیز، از این رویه پیروی کردند؛ هرچند که برخی مناطق منطقه قفقاز، به علل و موجبات سیاسی، رسم الخط دیگری - که حروف آن از میان الفبای روسی (یونانی) انتخاب شده بود -، استفاده کردند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آرین‌پور، ۱۳۸۷ ش: ۳ / بخش تغییر خط فارسی).

۱ - ۳ - ۲. تغییر خط در ترکیه

پس از پایان جنگ و استقلال و اعلان جمهوری ترکیه، مسئله الفبا بار دیگر در این کشور بر سر زبان‌ها افتاد و کم‌کم فکر اصلاح خط در میان روشن‌فکران ترکیه رسوخ یافت و از اعضای دولت

طرفدارانی پیدا کرد (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ش: ۱۲۰).

در ژانویه ۱۹۲۸، وزیران فرهنگ و دادگستری به وسیله جراید به اطلاع مردم رساندند که به زودی استفاده از الفبای لاتین در سراسر کشور اجرا خواهد شد. وزارت کشور نیز در آغاز ماه می، با صدور بخشنامه‌ای، دستور داد که نام شهرها با حروف لاتینی نوشته شود و در نیمه‌های آن ماه، در بعضی از شهرها، کلاس‌های خصوصی، جهت آموختن ارقام اروپایی و بعد الفبای لاتینی، تشکیل یافت.

در همان زمان و با تصویب «قانون قبول و اجرای حروف ترک» توسط مجلس کبیر ترکیه، انجمن الفبا، طرح نهایی را تنظیم و پیشنهاد کرد که خط جدید در عرض هفت سال به تدریج در مدارس ترکیه تدریس شود؛ ولی برای اجرای عمومی آن در سراسر کشور، مدت بالنسبه طولانی لازم است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آرین‌پور، ۱۳۸۷ش: ۳/ بخش تغییر خط فارسی).

۱- ۴. ورود بحث «تغییر خط» به ایران

از حدود سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ یعنی طی سی سال و همزمان با رواج ماشین تحریر، طبقه دوم طرفداران تغییر و اصلاح خط - که بیشتر آنها متأثر از علاقه‌مندان یا شاگردان تلاشگران دوره اول بودند -، شروع به فعالیت کردند.

پس از جنگ جهانی اول، باز کسانی در ایران به کوشش برخاستند و رساله‌هایی نوشتند و اولین آنها، مقالاتی بود در سال ۱۳۰۴ ش که توسط حسین کاظم‌زاده ایرانشهر به نام «الفبا به ترتیب راه نو» و «لزوم اصلاح خط و زبان» از ابوالقاسم اعتصام‌زاده منتشر شد. فعالان اصلاح خط در این زمان نیز، تحصیل کرده‌ها یا ساکنان کشورهای اروپایی بودند که تقریباً سی تن را شامل می‌شوند؛ افرادی همانند: اعتصام‌زاده، رشید یاسمی، علی دشتی، عبدالصمد فرهنگ، نورحقیق صدرالمعالی، مصطفی فاتح، و... .

هم‌زمان با جریانات نهایی تغییر خط در آذربایجان، ترکیه و جمهوری‌های قفقاز و برخی نقاط دیگر، در ایران نیز مقالاتی پیرامون تغییر خط به چاپ رسید (استادی، ث ۱۳۹۴ش: ۳۵۹) که برخی از فعالان در این زمینه، یا روحانی بودند یا سابقه روحانیت داشته‌اند؛ کسانی چون: علی دشتی و سید حسن تقی‌زاده (همان، ۱۳۴ و ۱۳۸؛ همچنین ر.ک: ش ۶ س ۴ ماهنامه یادگار).



۱ - ۵. فراز و فرود مباحث تغییر خط

در همین دوران، موضوع تغییر خط در ایران داغ شد و نویسندگان بیشتری به این موضوع پرداختند (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ش: ۲۴۸) که از آن میان، میرزا علی اصغر خان طالقانی، سعید نفیسی، رشید یاسمی، سید حسن تقی زاده، مصطفی فاتح، ذبیح بهروز، جبرئیل اعلائی، موسی نثری، حسین رضاعی و میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را می‌توان نام برد. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۳۸ می‌توان به عنوان داغ‌ترین سال بحث تغییر خط در ایران یاد کرد که بیش از بیست مقاله در این باره منتشر شده است (استادی، ۱۳۹۱ش: سراسرمتن).

۱ - ۵ - ۱. اوج مباحثات تغییر خط در ایران

سال ۱۳۳۸ شمسی، سال دعوای تغییر خط، بین موافقان و مخالفان است که به انتشار حداقل هشتاد نوشته درباره مشکلات خط فارسی انجامید. در این سال، انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» از جمعی از دانشمندان به ریاست سعید نفیسی در تهران تشکیل یافت و الفبای پیشنهاد کرد و در جراید و رادیو، توضیحاتی درباره نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن ارائه شد.

۱ - ۵ - ۲. توقف و تقلای دوباره برای تغییر خط

در همین سال، به دنبال جنجالی که بر سر موضوع تغییر خط در ایران برپا شد، نقل قول‌هایی از مخالفت آیه الله العظمی بروجردی شنیده شد (ر.ک: فلسفی، ۱۳۷۶ش: بخش اسناد) که احتمالاً به همین دلیل و پس از این تاریخ، دوباره موضوع تغییر خط رو به افول رفت و از حرارتش کاسته شد؛ ولی با این حال، مقالات و کتاب‌هایی در این موضوع منتشر می‌شد.

در سال ۱۳۴۳ش نیز، انجمنی به نام «انجمن ترویج زبان فارسی» در تهران دایر شد و مجله‌ای به نام بنیاد فرهنگ انتشار داد و الفبایی به نام «الفبای فارسی به خط جهانی» پیشنهاد کرد و از خوانندگان خود خواست تا هرگونه نظری درباره این الفبا دارند به انجمن بنویسند. پس از آن نیز تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مقالاتی در نشریات، درباره اصلاح و تغییر خط منتشر شد (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ش: ۲۷۴).

۱ - ۵ - ۳. افول بحث تغییر خط همراه انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب، به دلیل گسترش موضوعات اسلامی و وجهه دینی حکومت ایران و

گرایش‌های مذهبی مقامات دولتی، موضوع تغییر خط به کلی از تب و تاب افتاد؛ هر چند که با رختی چندساله، دوباره اما بی‌رمق، حرکتی تازه شکل گرفت؛ البته توجه به خط، نگاهی دیگر یافت و از مسئله تغییر خط، به اصلاح خط، کشیده شد. به این معنا که اندیشمندان و نویسندگان، به ارائه نظریات درباره «اصلاح رسم الخط فارسی» یا «یکسان‌سازی رسم الخط» پرداختند (ر.ک: استادی، ج ۱۳۹۴ ش: ۲۶۷ - ۲۸۷).

در این دوران، موضع تغییر خط به صورت رسمی، چنان به فراموشی سپرده شد که حتی وقتی در سال ۱۳۸۴ ش، کتاب‌شناسی‌ای پیرامون خط فارسی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد، کلیه کتاب‌ها و مقالاتی که به موضوع تغییر خط پرداخته بودند، در آن کتاب حذف شدند.

در سه دهه اخیر نیز به ندرت چیزی به نفع تغییر خط نوشته شده است؛ اما آثاری پیرامون اصلاح یا مسئله تغییر خط یافت می‌شود که نویسندگان آنها عبارت‌اند از: محمود رضائیان، مسعود خیام، پیام یزدانجو، فریدون مجلسی، حسن بهزادیان‌نژاد، محمدرضا باطنی، ابوالحسن نجفی، مصطفی عاصی، علی محمد حق‌شناس، کورش صفوی (ر.ک: استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۲۸۷).

۲. سیر تاریخی واکنش علمای ایران به مسئله تغییر خط

واکنش علما و اندیشمندان دینی ایران نسبت به مسئله تغییر خط را می‌توان از جنبه‌های مختلفی در نظر گرفت؛ برای نمونه از جهت مخالف ابتداء به ساکن، یا طرح و تأیید تغییر و اصلاح خط و یا به صورت اعلام نظر پس از استفتا درباره موضوع تغییر خط.

۲ - ۱. واکنش به صورت پاسخ استفتا

ظاهراً از اولین علمایی که درخصوص مسئله تغییر خط اظهار نظر کرده‌اند، می‌توان از کسانی نام برد که به استفتای مستشارالدوله در این باره پاسخ مثبت داده‌اند. اشاره شد که میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی، از پیروان جدی تغییر خط فارسی، در سال ۱۲۹۷ که در مشهد بوده است، برای این که دشمنان سرسخت الفبای نو، دین را دستاویز ناسازگاری خود نگردانند، مسئله «دیگر گردانیدن الفبا» را از مجتهدان مشهد استفتا نمود (ذکاء، ۱۳۲۹ ش: ۴۵).

وی می‌نویسد: این استفتا به عرض حضرات علمای اعلام و مجتهدان کرام در مشهد رضا - علی جده و آبائه و علیه السلام - که شرفیابی از حضور ایشان حاصل است، رسیده؛ هر کدام

شرحی مبسوط در جواز، بل رجحان این مطلب مرقوم و به خاتم شریف خودشان مختوم فرموده‌اند. از آن جمله جناب عالم نحیر و فاضل بی نظیر حاجی میرزا نصرالله مجتهد^۱ مشهد است و جناب مستطاب حاجی میرزا ابراهیم علوی مجتهد سبزواری^۲ و جناب سلاله الأطهار آقا میرزا احمد^۳ و فخر السادات و الافاضل حاجی میرزا باقر حسینی^۴ و فخر دودمان مصطفوی آقا میرزا محمدحسین امام جمعه اصفهان^۵ و جناب مستطاب عالم کامل محمدخان مجتهد کرمان^۶ - اجل الله شأنهم - و بخصوص جناب آقای کرمانی در این مطلب به طور کافی و مفصل شرح و بسط داده، ملتفت بودن خودشان را از نکات کار واضح و دلایل رجحان این امر را آشکار فرموده‌اند؛ و فتوای جناب حاجی میرزا نصرالله که خلاصه فتاوی است عیناً درج می‌شود: «تغییر در خط کتب یا اختراع خط جدید، مطلقاً جایز است بلا اشکال، بلکه هرگاه موجب تسهیل تعلیم و تعلم و تصحیح قرائت بشود، راجح خواهد بود. اگر کسی توهم کند که این تغییر تشبیه به اهل خارجه است و جایز نیست، این توهم ضعیف است؛ چون که این گونه تشبیهات حرام نیست و الا استعمال سماور باید جایز نباشد». [جای امضا و مهر جناب مستطاب حاجی میرزا نصرالله است]

۱. حاج میرزا نصرالله مشهدی سه نفرند: متوفای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۸ و زنده در ۱۳۰۱ (اعلام الشیعه طهرانی). حاج میرزا نصر الله مشهدی تربتی (م ۱۲۹۸ق)، مراتب فقه و حکمت را در خدمت حاج سید محمد حائری، حاج میرزا مسیح و ملا هادی سبزواری تکمیل کرد (چهل سال تاریخ ایران، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر کتاب المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۱۰). نامبرده در علوم نقلی و عقلی و نیز ادیبان عرب نامور بوده و مردم خراسان او را به عنوان مرجعیت فتاوا و احکام فقهی پذیرفته بودند. از آثارش کتاب طهارت، کتاب بیع و حواشی متفرقه بر کتاب قوانین و کتاب فصول و جواب سئوالات فقهی را می‌توان برشمرد (تاریخ علمای خراسان). میرزا نصرالله مشهدی شیرازی (۱۲۹۰ق) شرح احوال وی در فردوس التواریخ و جلد دوم «مطلع الشمس» و «المآثر» به نظر رسیده، و از آن‌ها چنین برآید که: وی در در فنون مسموع و معقول و علوم فروع و اصول از اساتید و فحول معدود بوده، و در تقوا مقامی سامی داشته، و اصلاً از شیراز و از آن‌جا به خراسان قدم گذاشته و در مشهد توطن نموده و در آستانه مقدسه تدریس می‌کرده، بلکه اول مدرّس آن عتبه علیه بوده، و در بسیاری از علوم تألیفات نیکو نموده. میرزا نصرالله از شیخ انصاری و فاضل دربندی اجازه داشته، و در زهد و ورع وی اخباری می‌گفته‌اند. (ر.ک: مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار).

۲. میرزا ابراهیم سبزواری، متوفای حدود ۱۳۱۶ (اعلام الشیعه) و از شاگردان شیخ انصاری و از مراجع بزرگ است.

۳. میرزا احمد، شناخته نشد.

۴. میرزا باقر، شناخته نشد.

۵. میرزا محمدحسین خاتون‌آبادی، امام جمعه اصفهان متوفای ۱۲۹۸. گفته شده عالم موجهی نبوده است (ر.ک: رجال و مشاهیر اصفهان).

۶. محمد خان کرمانی (م ۱۳۲۴) رئیس شیخیه آن زمان در کرمان بود.

(روزنامه س ۶، سوم جمادی الآخر ۱۲۹۷ ق، شماره ۲۲؛ استادی، ۱۳۹۱ ش: ۳۰).

۲ - ۲. واکنش به صورت طرح یا تأیید

در بین فعالان اصلاح الفبا یا تغییر خط در طول دو قرن گذشته (ر.ک: استادی، ت ۱۳۹۱ ش: سراسر متن)، به برخی از افراد بر می‌خوریم که یا روحانی هستند و یا حداقل سابقه روحانیت در شرح حال ایشان وجود دارد. اکنون به عنوان نمونه به دو تن از این روحانیون که در مسئله اصلاح خط فعالیت داشته‌اند، می‌پردازیم:

۲ - ۲ - ۱. محمدعلی داعی الاسلام

سید محمدعلی داعی الاسلام که سابقه تحصیل علوم حوزوی در کارنامه خود دارد، نویسنده فرهنگ نظام است. وی هنگامی که در حیدرآباد هندوستان بوده، به سال ۱۳۱۲ خورشیدی، کتابچه‌ای به نام خط داعی نوشته و در پیش گفتار آن چنین می‌گوید:

«احقر سید محمدعلی (داعی الاسلام) که در چند سال قبل خطابه خط لاتین برای فارسی را نشر دادم و در آن رأی دادم که نباید خط امروز فارسی را تبدیل به خط لاتین کرد - بلکه همین خط را باید طوری اصلاح کرد که آموختن و چاپ کردنش آسان باشد و بتواند حامل علوم باشد - از آن وقت در طریق اصلاح آن فکر می‌کردم و آخر مصمم شدم در خطوط اصلیه قدیم یعنی عبرانی و لاتین و یونانی سنسکریت و کوفی تفحصاتی کرده، اصول علمی وضع و ترکیبات آنها را به دست آورم تا راهی برای اصلاح خط فارسی به دست آورم. تعجب می‌فرمایید که بعد از جستن اصول تشکیل آنها فهمیدم که خط ما علمی‌ترین و ساده‌ترین و آسان‌ترین خط موجود دنیاست و هیچ محتاج به اصلاح اساسی نیست که با ساختن سی چهل تکه حروف می‌شود هر کتابی را چاپ کرد و فقط باید اساس علمی اولش را مراعات کرد و دست از نقاشی و تصرفات بعد برداشت» (استادی، چ ۱۳۹۴ ش: ۶۹۳).

۲ - ۲ - ۲. شمس‌الدین رشديه

شمس‌الدین رشديه نیز سابقه تحصیل علوم حوزوی در کارنامه خود دارد و بنیانگذار دبستان به روش جدید در ایران است. وی در سال ۱۳۲۴، دفترچه‌ای به نام موضوع تغییر خط اسلامی نوشته و در آغاز آن درباره کسانی که برای تغییر الفبا کوشیده‌اند، داوری‌هایی کرده و بدگمانی‌هایی نموده است



و در جایی عقیده خود را درباره اصلاح خط چنین می نویسد: «تصدیق می شود که الفبای ما بی معایب و اشکالات نیست و همین اشکالات، باعث واماندگی پنجاه درصد بیسوادان از تحصیل سواد است؛ ولی رفع این اشکالات محال نیست؛ که ایجاب تغییر اساس آن را نماید».

او عقیده دارد بیشتر دشواری فرا گرفتن الفبا برای نوآموزان در روش آموزش آن است نه خود الفبا و می نویسد: «تدریس الفبا و تعهد اولین سال تحصیل کودک را امر عادی تشخیص داده ایم، در صورتی که ملل مترقیه به انجام این قسمت توجه خاصی دارند و آموزگار سال یکم را قیمت بیشتری می گذارند» (استادی، ب ۱۳۹۴ ش: ۲۵۶).

۳. سیر تاریخی واکنش علمای حوزه علمی قم به مسئله تغییر خط

از زمان تأسیس حوزه علمی قم به سال ۱۳۰۱ شمسی توسط شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۱۵ق) تا سال ۱۳۳۸ شمسی - که سال اوج دعوی تغییر خط در ایران میان موافقان و مخالفان است و به انتشار حداقل هشتاد نوشته درباره مشکلات خط فارسی منجر شد - ، اطلاعاتی از واکنش علمای حوزه علمی قم یافت نشد؛ اما پس از آن، مواردی قابل گزارش است.

۳ - ۱. واکنش آیه الله بروجردی به مسئله تغییر خط

برای این سال جنجالی مناقشات درخصوص اصلاح و تغییر خط، یعنی سال ۱۳۳۸ ش، جمله ای منسوب به آیه الله بروجردی در نوشته های مختلف، البته بدون ذکر منبع، ذکر شده است که ایشان فرموده اند: «هدف اینان از تغییر خط، دور کردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا زنده ام، اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند؛ به هر جا که می خواهد منتهی شود» (برای نمونه، ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۷۰ ش: ۱۳۷).

پیگیری فراوانی صورت گرفت؛ اما منبعی برای این گفته، شناخته نشد. حتی از نوه دختری آیه الله بروجردی، یعنی آیه الله سید جواد علوی طباطبایی، پرسیده شد؛ اما ایشان نیز با ذکر همان مطلب بالا، فرمودند که منبع و مرجعی برای آن نمی دانند.

تنها منبعی که یافت شد و به ذکر این مطلب اشاره دارد، یکی از اسناد ساواک به تاریخ ۱۸ آبان ۳۸ است که مأمور ساواک گزارشی را از قول حجة الاسلام فلسفی نقل کرده است که در آن درباره همین موضوع، سخنی ذکر شده است: «محمدتقی فلسفی واعظ معروف می گفت: چون کلیه کتب و آثار دینی از صدر اسلام تا کنون با خط عربی و فارسی فعلی نوشته شده چنانچه

بخواهند تغییر خط را در ایران عملی سازند با مخالفت شدید مراجع مذهبی روبه‌رو خواهند شد. فلسفی گفته موضوع تغییر احتمالی خط به اطلاع آیه الله بروجردی نیز رسیده و ایشان هرگز حاضر نیستند در حوزه‌های علمیه خط لاتین جانشین خط فارسی که تشابه کامل به خط عربی دارد گردد و در موقع خود روحانیون اقدامات شدید و مؤثری علیه نهضت جدید تغییر خط شروع خواهند نمود» (ر.ک: فلسفی، ۱۳۷۶ ش: بخش اسناد).

احتمالاً پس از این اعلام نظر ضمنی آیه الله بروجردی به مسئله تغییر خط، برخی از فضایی حوزه علمیه قم، در صدد نگارش مقالاتی پیرامون مخالفت با موضوع تغییر خط فارسی برآمدند و این مقالات را در تنها نشریه حوزه علمیه قم، یعنی درس‌هایی از مکتب اسلام، منتشر کردند.

۳ - ۲. واکنش نویسندگان نشریه حوزه علمیه قم

در دهه ۱۳۳۰ گروهی از طلاب حوزه علمیه قم به پیشنهاد و زیر نظر آیه الله سید کاظم شریعتمداری، اقدام به تأسیس مجله مکتب اسلام کردند. سید مرتضی جزایری در کنار ناصر مکارم شیرازی، امام موسی صدر، علی دوانی، مجدالدین شیرازی، آیه الله عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمد جعفر سبحانی، مؤسسان این مجله بودند.

نخستین شماره مجله مکتب اسلام، به عنوان ارگان حوزه علمیه قم - که بازگو کننده افکار و اندیشه‌های مراجع وقت بالأخص در نخستین سال‌های تأسیس و بیانگر اندیشه‌های اصلاحی و تبلیغی مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی بود - در آبان ماه ۱۳۳۷ منتشر شد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱ ش: ۳ - ۵).

۳ - ۲ - ۱. موضع «مکتب اسلام» درباره اصلاح و تغییر خط

به نظر می‌رسد حتی بدون مطالعه و مراجعه به متن مطالب مقالات موجود در نشریه مکتب اسلام، از تیرها و عناوین مقالات، می‌توان موضع این نشریه را در سوء نیت طراحان تغییر خط مشاهده کرد. برخی از آن تیرها عبارت‌اند از: «نغمه‌های استعمار!...»، «نقشه‌های استعمار»، «توطئه تغییر خط!»، «خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند»، «این نوسازی نیست ویرانگری است».

از این دست عناوین مقالات می‌توان نتیجه گرفت، هر چند که ممکن است خط یا تغییر خط، به خودی خود هدف نباشد، اما مجله مکتب اسلام، آن را مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف دیگری که مقابله و محو اسلام از سطح جامعه بود، می‌انگاشتند.

۳ - ۲ - ۲. مقالات تغییر خط در مکتب اسلام

درخصوص مخالفت مجله مکتب اسلام با بحث تغییر خط فارسی، پانزده مطلب نگاشته شد که هم‌زمان با اوج مباحث تغییر خط در سال ۱۳۳۸ آغاز می‌شود و تا پیروزی انقلاب اسلامی، ادامه می‌یابد. این مقالات به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از:

بی‌نام (۱۳۳۸ش)، «در اجتماع چه می‌گذرد؟ نغمه‌های استعمار!...»؛

شمشیری میلانی، محمدعلی (۱۳۳۹ش)، «باز هم در پیرامون تغییر خط»؛

بی‌نام (۱۳۴۴ش)، «باز هم مسئله تغییر خط»؛

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۴۴ش)، «توطئه تغییر خط!»؛

فرهوشی، بهرام (۱۳۴۸ش)، «درباره خط فارسی»؛

فرامرزی، عبدالرحمن (۱۳۴۹ش)، «درباره زبان و خط فارسی»؛

بی‌نام (۱۳۵۰ش)، «از پوست پلنگ تا تغییر خط فارسی؛ در دنیای افراط و تفریط»؛

آزادمنش، مرتضی (۱۳۵۱ش)، «این نوسازی نیست ویرانگری است؛ زمزمه‌ای که هر چند

وقت یکبار به‌علل نامعلومی اوج می‌گیرد»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «چرا ایرانیان خط عربی را به‌جای خط پهلوی برگزیدند»؛

ارشک، محمد (۱۳۵۱ش)، «الفبای فارسی تقصیر ندارد؛ مسئول عقب‌ماندگی دانشجویان و

دانش‌آموزان عوامل دیگری است»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «هشدار به پاسداران فرهنگ کهن ایران»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند؛ بهوش باشیم

آزمایش‌های تلخ دیگران را تکرار نکنیم»؛

الهامی، داود (۱۳۵۱ش)، «اشکالات خط لاتین به‌مراتب از خط فارسی بیشتر است»؛

سرافراز، حسین (۱۳۵۵ش)، «بریدگی فرهنگی در ترکیه مولود تغییر خط»؛

قربانی، زین العابدین (۱۳۵۷ش)، «نقشه‌های استعمار برای از بین بردن وحدت و عظمت اسلام».

۳ - ۲ - ۳. نویسندگان مقالات علیه تغییر خط، در «مکتب اسلام»

نویسندگان مقالات مخالف تغییر خط در مکتب اسلام، به ترتیب بیشترین تعداد مقاله،

عبارت‌اند از:

۱. حجة الاسلام داود الهامی

از وی چهار مقاله پیرامون «مخالفت با تغییر خط فارسی» در مکتب اسلام به چاپ رسیده است:

- «چرا ایرانیان خط عربی را به جای خط پهلوی برگزیدند»؛

- «هشدار به پاسداران فرهنگ کهن ایران»؛

- «خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند»؛

- «اشکالات خط لاتین به مراتب از خط فارسی بیشتر است».

الهامی در سال ۱۳۱۶ ش (۱۳۵۶ق) در آذرشهر تبریز به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۵ ش، به تحصیل علوم دینی روی آورد و در مدرسه طالبیه تبریز، مقدمات و ادبیات را فرا گرفت و در سال ۱۳۳۸ ش، به حوزه علمیه قم آمد و سطوح عالیّه را در محضر حضرات آیات: مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، احمد پایانی، سید جواد خطیبی و سید محمدباقر سلطانی فرا گرفت؛ و پس از آن به درس خارج فقه مراجع تقلید وقت حاضر شد. هم‌زمان، دروس جنبی را از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: شهید مطهری، ملکی میانجی، سید مرتضی شبستری، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی، سید موسی شیرازی، شیخ محمدجواد مغنیه و صدر بلاغی، بسیار استفاده کرد و مقالات متعددی به رشته تحریر درآورد و به جمع اعضای هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام پیوست و پس از آن در تألیف تفسیر نمونه با آیه الله مکارم شیرازی همکاری نمود.

از آن پس، به تألیف و تدریس و تحقیق و تبلیغ دین پرداخت و ده‌ها کتاب و مقاله در زمینه تاریخ و کلام و عقاید از خود به یادگار نهاد. وی سال‌ها در مجله مکتب اسلام و مجله تخصصی کلام اسلام، مؤسسه امام صادق علیه السلام، گروه تخصصی کلام حوزه علمیه قم و مؤسسه دفاع از حریم تشیع، سمت مدیریت و مسئولیت بر عهده داشت؛ و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام سری پر شور داشت (انصاری قمی، ۱۳۸۰ ش: ۱۲۷).

۲. بدون نام مؤلف

سه مقاله بدون نام، درباره موضوع مخالفت با تغییر خط در مکتب اسلام منتشر شده است که احتمالاً با توجه به برخی خاطرات و اسناد، این مقالات از نویسندگان اصلی هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام بوده است؛ زیرا برای نمونه استاد دوانی نوشته است: «استاد مطهری پرسید:



راستی مقاله «داستان ماه» را چه کسی می‌نویسد؟ گفتیم: من می‌نویسم. گفت: چرا نام نویسنده ندارد؟ گفتیم: هیئت تحریریه، یک مقاله را با اسم چاپ می‌کند و اگر همان نویسنده، مقاله دیگری داشته باشد، بدون اسم است؛ مبدا تکرار اسم، نشانه کمبود نویسنده باشد و اصولاً از نظر فنی هم درست نیست» (ر.ک: دوانی، ۱۳۹۰ش: ۱۴۳).

۳. حجة الاسلام سید هادی خسروشاهی

از وی یک مقاله در خصوص «مخالفت با تغییر خط فارسی» در مکتب اسلام به چاپ رسیده است با عنوان: «توطئه تغییر خط!». همچنین ایشان چندین مقاله در همین خصوص در نشریات دیگری چون مجموعه حکمت دارند:

- «توطئه تغییر خط در ایران: سابقه فکر تغییر خط در ایران»، مجموعه حکمت، دی ۱۳۳۸، شماره ۴۹.

- «قابل توجه مقامات مسئول اسلامی: توطئه تغییر خط در ایران از نقشه‌های شوم دشمنان اسلام است»، مجموعه حکمت، آذر ۱۳۳۸، شماره ۴۵.

خسروشاهی، زاده ۱۳۱۷ش در تبریز و از نویسندگان شیعی ایران است که سابقه فعالیت سیاسی در دهه پنجاه را نیز دارد. از مهم‌ترین تألیف‌های وی ترجمه کتاب امام علی صوت العدالة الانسانیة است که در سال ۱۳۴۴ منتشر گردید. تدوین و تحقیق و نشر مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی، مجموعه حرکت‌های اسلامی معاصر و مجموعه آثار استاد علامه طباطبائی در ۱۶ جلد از دیگر آثار وی است (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۹ش: ۹).

۴. حجة الاسلام محمدعلی شمشیری میلانی

اگر از مقالات بی‌نام صرف‌نظر کنیم، اولین مقاله درباره «مخالفت با تغییر خط فارسی» در مجله مکتب اسلام، از ایشان به چاپ رسیده است. وی مؤلف دو کتاب: با انقلاب و حکومت دادگستر جهانی و خطبه حضرت فاطمه علیها السلام، اصیل و جاودانه است (ر.ک: استادی، خ ۱۳۹۴ش: ۳۳).

۵. حجة الاسلام زین العابدین قربانی

از وی مقاله‌ای در مجله مکتب اسلام به چاپ رسیده است که بخش‌هایی از آن، درباره «مخالفت با تغییر خط فارسی» است. زین العابدین قربانی در سال ۱۳۱۲ شمسی در یک خانواده مذهبی و کشاورز در روستای پنجاه لاهیجان، دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۷ برای تحصیل

علوم دینی و حوزوی به لاهیجان عزیزمت کرد و در سال ۱۳۲۹ به حوزه علمیه قم مهاجرت نمود. پس از فراگیری دروس مقدماتی و سطح از محضر اساتید بزرگی استفاده کرد. از استادان زین العابدین قربانی می‌توان به امام موسی صدر و مشکینی و آیه الله سلطانی، آیه الله آقا رضا صدر و درس خارج فقه و اصول را از آیه الله العظمی بروجردی و امام خمینی به مدت ده سال و فلسفه و تفسیر را از استاد علامه طباطبایی به مدت هشت سال فرا گرفت (همان‌جا).

۶ و ۷. مرتضی آزادمنش و محمد ارشک

هر کدام یک مقاله. این افراد شناخته نشدند؛ احتمالاً این نام‌ها، اسم مستعار باشند.

۸. نویسندگان مقالات مکرر

مقالاتی در موضوع مخالفت با تغییر خط از جراید دیگر نیز در مجله مکتب اسلام منعکس شده که نویسندگان آنها عبارت‌اند از: حسین سرفراز (یک مقاله)؛ عبدالرحمن فرامرزی^۱ (یک مقاله)؛ دکتر فرهوشی (یک مقاله).

۴. معرفی آراء فقهی علمای معاصر در مسئله خط عربی و تغییر خط

برای اطلاع از آراء فقهی مراجع تقلید معاصر درباره خط و تغییر خط، چند استفتا از برخی مراجع معظم تقلید ایران پرسیده شد (برای اطلاع از شرح حال ایشان ر.ک: مقدم، ۱۳۸۷ش: سراسر متن) که عبارت‌اند از:

۱. آیا خط عربی، مقدس است؟ و اگر هست، شامل فقط خط کوفی ابتدایی می‌شود یا همه خطوط عربی، از صدر اسلام تا کنون را شامل می‌شود؟
برخی از آیات عظام، همانند: مظاهری، محمود هاشمی شاهرودی، مکارم شیرازی، علوی طباطبائی، علوی گرگانی، با شدت و ضعف‌هایی معتقدند که خط عربی قداست خاصی ندارد؛ هر چند برخی از ایشان اضافه نموده‌اند که با توجه به این که خط قرآن و احادیث است، بی‌احترامی نیز به آن نشود، اولی است.

۱. عبدالرحمن فرامرزی، دو نفرند: یکی مسئول ستون «سیری در مطبوعات» مجله مکتب اسلام که شناخته نشد؛ دیگری نویسنده معاصر و استاد دانشگاه، چند دوره وکیل مجلس شورای ملی، وکیل پایه یک دادگستری و مدیر روزنامه کیهان که در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در تهران درگذشت. از وی این مقاله یافت شد: «نظری درباره تغییر خط فارسی»، تحقیقات روزنامه‌نگاری، دوره ۱، ش ۲ / تهران / ۱۳۴۵ (ر.ک: استادی، ۱۳۹۴ش: ۱۴۷).

برخی نیز همانند: محمدعلی گرامی، نوشته‌اند که: «اگر زبان عربی به خاطر پیامبر اکرم و قرآن قداست دارد، خطّ عربی هم این طور است؛ و میزان قداست، به مقدار نزدیک بودن به خط و رسم الخط امامان می‌باشد».

در این میان، برخی نیز همانند: آیه الله محفوظی، خط و زبان عربی فصیح را - که زبان و لغت قرآن و وحی است -، مقدّس‌ترین و افضل تمام لغات و السنه دانسته‌اند (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۱۴).

۲. آیا خطّ عربی، خطّ اسلام است؟ و یا تنها زبان عربی، زبان اسلام است و نوع نوشتن و نوع خط، ارتباطی به اسلام ندارد؟

برخی از آیات عظام، همانند: مظاهری و علوی گرگانی معتقدند که: «زبان عربی، زبان اسلام است». همچنین، آیه الله محفوظی نوشته‌اند: «خط و زبان عربی فصیح، زبان و لغت قرآن و وحی است و در روایت دارد که زبان اهل بهشت هم عربی است».

برخی همانند محمود هاشمی شاهرودی با تأکید بیشتر، نوشته‌اند که: «خط، ربطی به اسلام ندارد» و بعضی همانند آیه الله علوی طباطبائی برای آن تفصیل بیشتری داده‌اند: «در زمان طلوع اسلام، رسم الخط معمول خطّ عربی بوده است که این خط با تغییراتی که در آن ایجاد شد و بر اساس نیاز هم بوده است، به خطّ عربی معمول روز تبدیل شده است؛ ولی اسلام وراء این خط و سایر خطوط و در مقام بالاتری است. بله در حال حاضر خطّ عربی، خطّ معمول رایج برای مراجعه به متون اسلامی است؛ ولی نمی‌توان گفت که این خط، خطّ اسلام است».

از سوی دیگر، آیه الله گرامی معتقد است که: «خط از زبان جدا نیست. حکم لفظ بر کتابت جاری است. به نظر حقیر در فقه هم همین طور است. عقد کتابتی مثل عقد لفظی است» (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۱۶).

۳. آیا مسلمانان، موظّف‌اند که خطّ عربی را حفظ و پاسداری نمایند؟ و اگر موظّف‌اند، باید کدام نوع از انواع و اشکال خطوط عربی را مراقبت و محافظت نمایند؟

همه این مراجع عظام، معتقدند که باید قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام پاسداری شوند و حفظ خطّ عربی اگر راه منحصر حفظ قرآن و روایات باشد، واجب می‌شود. یعنی آنچه حفظ نصوص قرآن و متون روایی متوقف بر آن باشد، از باب مقدمه واجب نیز واجب است.

به عبارت دیگر، آنچه مسلمانان وظیفه دارند، حفظ میراث اسلامی است و این میراث در حال حاضر به خطّ عربی است و دسترسی به آن از طریق این خط صورت می‌گیرد و تفاوت نمی‌کند که به چه نوع و چه شکل باشد. خط نیز مانند سایر مقولات در هر زبانی در مسیر تکامل پیش می‌رود و نیاز به فراگیری و قرائت و به‌کارگیری بهتر و وسیع‌تر آن در طول زمان نیاز به تغییرات را ایجاد می‌کند؛ ولی مهم در این باب، حفظ پیوند نسل‌ها با میراث اسلامی است و اگر این پیوند جز با خطّ عربی ممکن نشود، طبعاً باید برای حفظ این میراث حفظ شود (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۱۸).

۴. اگر خطّ عربی کنونی، دارای اشکالات فنی و کاربردی باشد، آیا تعمیر و تصحیح و یا تغییر شکل خطّ عربی در زمان حاضر مجاز است؟

برخی از علما، همانند هاشمی شاهرودی، مکارم شیرازی، گرامی و علوی گرگانی، معتقدند که تعمیر و تصحیح و یا تغییر شکل خطّ عربی، فی نفسه، جایز است و منعی ندارد. برخی نیز همانند آیه الله مظاهری فرموده‌اند که اگر منافات با قرآن و روایات اهل بیت پیدا نمی‌کند مجاز است؛ ولی باید بدانیم قرآن عربی مبین است و اشکال فنی و کاربردی قطعاً ندارد. در این میان، آیه الله علوی طباطبائی، نوشته است: «به طور قطع رسم الخط موجود دارای اشکالات زیادی است و تلاش برای رفع این اشکالات به‌خصوص در رسم الخط قرآن‌های طبع جدید در بسیاری از کشورها مشهود است. هیچ تعبدی در عدم تغییر و تعمیر و تصحیح وجود ندارد، و لذا هیچ منعی برای تکامل این خط در جهت اصلاح وجود ندارد» (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۲۰).

۵. اگر ترویج و تحکیم مبانی و مسائل اسلامی، توسط نگارش با خطّی غیر عربی یا جدید الاحداث، راحت‌تر و بیشتر و بیشتر، صورت پذیرد، آیا ایجاد و یا به‌کارگیری این خط مجاز است؟ آیت الله علوی گرگانی در پاسخ نوشته‌اند: «هر خطّی که بتواند مبانی دینی را راحت‌تر و بهتر در اختیار مشتاقان قرار دهد، به‌کارگیری آن خط مورد تأیید است».

برخی از آیات عظام همانند آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی، مکارم شیرازی، گرامی، علوی طباطبائی نیز معتقدند که: «فی نفسه، جایز است؛ ولیکن نایستی موجب قطع رابطه فرهنگی امت اسلامی با میراث فکری و اسلامی شود».



همچنین، آیه الله مظاهری افزوده‌اند که: «اگر منافاتی با قرآن و روایات پیدا می‌شود، قطعاً جازز نیست و قطعاً کار غلط و اشتباه است» (ر.ک: استادی، پ ۱۳۹۴ش: ۱۲۲).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برخی از اندیشمندان و ادیبان، به معایب و مشکلات خط فارسی پرداخته‌اند. افراد متعددی نیز به صورت اشاره و موردی، به مسئله اصلاح الفبا و تغییر خط در دو قرن اخیر پرداخته‌اند؛ البته برخی از آنان در این راه، هزینه و وقت قابل توجهی صرف کرده‌اند.

در این میان، علمای شیعی و روحانیان حوزوی نیز در مسئله تغییر خط ورود پیدا کرده‌اند. واکنش علما و اندیشمندان دینی ایران درباره مسئله تغییر خط را می‌توان از جنبه‌های مختلفی در نظر گرفت. برای نمونه، از جهت مخالف ابتداء به ساکن، یا طرح و تأیید تغییر و اصلاح خط و یا به صورت اعلام نظر پس از استفتای پیرامون موضوع تغییر خط.

از زمان تأسیس حوزه علمیه قم به سال ۱۳۰۱ شمسی تا سال ۱۳۳۸ شمسی - که سال اوج دعوی تغییر خط میان موافقان و مخالفان در ایران است -، اطلاعاتی از واکنش علمای حوزه علمیه قم یافت نمی‌شود؛ اما پس از اعلام نظر ضمنی آیه الله بروجردی به مسئله تغییر خط، برخی از فضلاء حوزه علمیه قم، در صدد نگارش مقالاتی پیرامون مخالفت با تغییر خط فارسی برآمدند و این مقالات را در تنها نشریه حوزه علمیه قم، یعنی مکتب اسلام، منتشر کردند. البته پس از پیروزی انقلاب، به دلیل گسترش موضوعات اسلامی و وجهه دینی حکومت ایران و گرایش‌های مذهبی مقامات دولتی، موضوع تغییر خط به کلی از تب و تاب افتاد.

در جمع‌بندی واکنش علمای مذهبی و نویسندگان حوزه علمیه قم درباره مسئله خط و همچنین با توجه به برخی از فتاوای مراجع تقلید معاصر، می‌توان گفت که: علمای اسلامی، مادامی که اصلاح الفبا و تغییر خط، خدشه‌ای به معارف اسلامی و ترویج مذهب وارد نکنند، نسبت به این تغییرات و اصلاحات، نظر مخالفی ندارند.



کتابنامه

۱. ارشک، محمّد (آذر ۱۳۵۱ش)، «الفبای فارسی تقصیر ندارد؛ مسؤل عقب ماندگی دانشجویان و دانش آموزان عوامل دیگری است»، مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۱۱.
۲. آربن پور، یحیی (۱۳۸۷ش)، از نیما تا روزگار ما، تهران: زوار.
۳. آزادمنش، مرتضی (خرداد ۱۳۵۱ش)، «این نوسازی نیست ویرانگری است؛ زمزمه‌ای که هر چند وقت یکبار بعلل نامعلومی اوج می‌گیرد»، مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵.
۴. استادی، کاظم (بهار ۱۳۹۱ش)، «روزنامه اختر و تغییر خط فارسی»، بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۶، صفحه ۳۰ - ۷۱.
۵. _____ (بهار ۱۳۹۱ش)، «گاه‌شمار شمسی تغییر خط»، بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحه ۱۳۰ - ۱۴۹.
۶. _____ (بهار ۱۳۹۱ش)، «میرزا ملکم خان و کتاب خطوط آدمیت»، بهارستان، سال چهارم، شماره ۱۵، صفحه ۵۹۲ - ۶۱۲.
۷. _____ (الف ۱۳۹۴ش)، آخوندزاده و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۸. _____ (ب ۱۳۹۴ش)، تاریخچه تغییر خط، قم: نشر مؤلف.
۹. _____ (پ ۱۳۹۴ش)، حکم فقهی تغییر خط، قم: نشر مؤلف.
۱۰. _____ (ت ۱۳۹۴ش)، سیر تحول خط عمومی فارسی در ایران، قم: نشر مؤلف.
۱۱. _____ (ث ۱۳۹۴ش)، فعالان اصلاح و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۲. _____ (ج ۱۳۹۴ش)، کتابشناسی خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۳. _____ (چ ۱۳۹۴ش)، مجموعه مقالات پیرامون تغییر خط، قم: نشر مؤلف.
۱۴. _____ (ح ۱۳۹۴ش)، ملکم خان و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۵. _____ (خ ۱۳۹۴ش)، درس‌هایی از مکتب اسلام و تغییر خط فارسی، قم: نشر مؤلف.
۱۶. الهامی، داود (اردیبهشت ۱۳۵۱ش)، «اشکالات خط لاتین بمراتب از خط فارسی بیشتر است»، مکتب اسلام، سال چهاردهم، شماره ۴.
۱۷. الهامی، داود (مهر ۱۳۵۱ش)، «چرا ایرانیان خط عربی را بجای خط پهلوی برگزیدند»، مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۹.



۱۸. الهامی، داود (اسفند ۱۳۵۱ش)، «خوابهای پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند؛ بهوش باشیم آزمایشهای تلخ دیگران را تکرار نکنیم»، مکتب اسلام، سال چهاردهم، شماره ۲.
۱۹. الهامی، داود (دی ۱۳۵۱ش)، «هشدار به پاسداران فرهنگ کهن ایران»، مکتب اسلام، س ۱۳، شماره ۱۲.
۲۰. انصاری قمی، ناصرالدین (فروردین ۱۳۸۰ش)، «درگذشتگان (حجة الاسلام داود الهامی)»، آینه پژوهش، شماره ۶۷، صفحه ۱۲۷ - ۱۳۴.
۲۱. بی‌نام (۱۳۷۸ق)، سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه، نسخه خطی، تهران: کتابخانه سپهسالار.
۲۲. بی‌نام (دی ۱۳۳۸ش)، «در اجتماع چه می‌گذرد؟ نغمه‌های استعمار!...»، مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۱.
۲۳. بی‌نام (دی ۱۳۴۴ش)، «باز هم مسئله تغییر خط»، مکتب اسلام، سال هفتم، شماره ۳.
۲۴. بی‌نام (دی ۱۳۵۰ش)، «از پوست پلنگ تا تغییر خط فارسی؛ در دنیای افراط و تفریط»، مکتب اسلام، سال دوازدهم، شماره ۱۲.
۲۵. توپسرکانی، قاسم (۱۳۵۰ش)، زبان تازی در میان ایرانیان (پس از اسلام تا انتهای خلافت عباسیان)، تهران: دانشسرای عالی.
۲۶. جعفریان، رسول (۱۳۹۹ش)، هادی‌نامه (ارج‌نامه استاد سید هادی خسروشاهی)، قم: مورخ.
۲۷. خسروشاهی، سید هادی (بهمن ۱۳۴۴ش)، «توطئه تغییر خط!»، مکتب اسلام، سال هفتم، شماره ۴.
۲۸. دوانی، علی (۱۳۹۰ش)، خاطرات من از استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۲۹. ذکاء، یحیی (۱۳۲۹ش)، در پیرامون تغییر خط فارسی، تهران: چاپخانه نقش جهان.
۳۰. سبحانی تبریزی، جعفر (اسفند ۱۳۷۱ش)، «مجله مکتب اسلام، مشعلی روشن در فضایی تاریک»، مکتب اسلام، شماره ۱۲.
۳۱. سرافراز، حسین (خرداد ۱۳۵۵ش)، «بریدگی فرهنگی در ترکیه مولود تغییر خط»، مکتب اسلام، سال هفدهم، شماره ۶.



۳۲. شمشیری میلانی، محمد علی (مرداد ۱۳۳۹ش)، «باز هم در پیرامون تغییر خط»، مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۷.
۳۳. عابدی، طالب (۱۳۷۷ش) تأثیر استانبول بر حرکت‌های دولتمردان و آزادیخواهان ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
۳۴. فاضل لنکرانی، محمد (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰ش)، «مصاحبه با آیه الله محمد فاضل لنکرانی پیرامون نقش آیه الله بروجردی را در شکوفایی حوزه»، مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، صفحه ۱۳۷.
۳۵. فرامرزی، عبدالرحمن (آذر ۱۳۴۹ش)، «درباره زبان و خط فارسی»، مکتب اسلام، سال یازدهم، شماره ۱۲.
۳۶. فرهوشی، بهرام (مهر ۱۳۴۸ش)، «درباره خط فارسی»، مکتب اسلام، سال دهم، شماره ۱۰.
۳۷. فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۶ش)، زندگی و خاطرات سیاسی فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۸. قربانی، زین العابدین (اسفند ۱۳۵۷ش)، «نقشه‌های استعمار برای از بین بردن وحدت و عظمت اسلام»، مکتب اسلام، سال هجدهم، شماره ۱۲.
۳۹. متینی، جلال (۱۳۷۱ش)، هدایة المتعلمین فی الطب، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۴۰. مقدم، کاظم (۱۳۸۷)، آشنایی با مراجع تقلید، قم: برگزیده.
۴۱. _____ (۱۳۲۰)، روزنامه ادب، شماره ۳۷.
۴۲. _____ (۱۳۲۰)، روزنامه تربیت، شماره ۲۵۸.
۴۳. _____ (۱۹۲۲ و ۱۹۲۳)، روزنامه کارگر باکو، شماره‌های ۱۶۱، ۲۴۰ و ۲۴۶.